

زیبایی شناسی و بازشناسی اصول آن در معماری اسلامی

محمد حسین عابدی: دانشجو دکترا، معماری، دانشگاه آزاد اسلامی تهران

فرزانه محمدیان یامی: دانشجو کارشناسی ارشد مهندسی معماری، موسسه آموزش عالی شمس

چکیده:

ساختمان‌ها یکی از عناصر تأثیرگذار عوامل زیبایی منظر در یک شهر می‌باشند چرا که به دلیل مقیاس، فرم و خصوصیات ساختمانی، تأثیرات گوناگونی بر محیط از لحاظ بصری و سیمای شهری دارند. اما آنچه به نظر میرسد این مجموعه‌ها نتیجه تصمیم‌گیری‌ها و طراحی‌های شتابزده، یکنواخت و اجرای سریع در پاسخ به مسئله هستند؛ این است که امروزه در اغلب ساختمان‌ها همواره از توجه به بسیاری از اصول و معیارهای معماری و شهرسازی و ارتباط آن با نیازهای روحی و باطنی، هویت و حس زیبایی شناسی افراد کاسته شده است. زیبایی خاصیت وجود انسان و تمایل به آن از مختصات آدمی است، انسان همواره سعی می‌کند نمود زیبایی را در زندگی و فضاهای زیستن خویش در نظر بگیرد. از همین رو شناسایی معیارها و اصول زیبایی بخش معماری، دارای اهمیت والایی است. به کارگیری معانی و مفاهیم زیبایی شناسی اسلامی در فضاهای شهری، علاوه بر حس زیبایی شناسی منبعت از مفاهیم اسلامی در فضاهای زیستی شهری؛ سبب توجه و بازگشت به نظام ارزشی منطبق با هویت اسلامی در شهرسازی خواهد گردید. پژوهش حاضر تلاشی است بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای برای شناخت زیبایی شناسی و اصول آن در معماری اسلامی. در راستای دستیابی به این هدف، روش پژوهش با استفاده از راهکارهای ترکیبی می‌باشد که برای انجام آن از تکنیک‌های تحلیل-توصیفی استفاده شده است. در نتایج پژوهش نشان می‌دهد: تناسب و توازن، مقیاس، تکرار و تناوب، تقارن، تعادل، مرکزیت، هماهنگی، تشابه، تنوع و تضاد، نظم، نظم در بی‌نظمی، حرکت و آرامش، نور، آب، رنگ، شفافیت، فرم و صورت و تزئین عوامل اصلی ایجاد زیبایی بخش ساختمان‌ها در معماری اسلامی هستند.

کلید واژه: زیبایی شناسی، ادراک زیبایی، زیبایی شناسی معماری، اصول زیبایی شناسی معماری اسلامی.



مقدمه:

یک نقاش می تواند تابلوهایش را در خانه یا آتلیه اش نقاشی کند. آزادی او در این زمینه که چه چیز می خواهد بکشد، حداکثر به اندازه ابعاد بوم محدود می شود بعد از تمام شدن نقاشی تابلو به معرض فروش قرار می گیرد، درست مثل هر کالای دیگری. خریدار کسی خواهد بود که از آنچه کشیده شده لذت ببرد و با قیمت آن هم موافق باشد، اما در معماری چنین نیست. عوامل بسیار زیادی مانند قابلیت استفاده، ساختار، مقاومت مصالح، مسائل مالی و بالاخره ضوابط ساختمانی این آزادی را محدود می کند. در معماری بر عکس نقاشی، زیبا شناختی تنها عاملی که باید مورد توجه قرار گیرد نیست. برای تفکیک خوب و بد و زشت و زیبا، آگاهی و دانش زیبایی شناسی لازم است تا بتوان درباره ی یک اثر هنری نظر داد و درجه و عیار آن را مشخص کرد. برای درک زیبایی باید از یک طرف ادراک کننده ی زیبایی باشیم و شیوه ی درک زیبایی را بشناسیم و از طرف دیگر پدیده ی زیبا و ویژگی های آن را بررسی کنیم عواملی که در درک زیبایی دخیل هستند را حس زیبایی شناسی می گوئیم. علامه جعفری میگوید: زیبایی مجموعه ای نگارین است که هر یک از اجزاء آن کمال وجود خود را بدون تزاخم با اجزاء دیگر نمودار می سازند. گروه زیبایی را سادگی، هماهنگی، وحدت در عین کثرت میداند. هر اثر برجسته و شاخص در تاریخ هنر و معماری بدون هویت معنوی نتوانسته جایگاه والا و خوبی بدست آورد. آزادی معمار محدود است و در این محدوده ی تنگ او مسئولیت زیباسازی را نیز به عهده دارد و او نیز قصد دارد چیزی «زیبا» بیافریند یعنی نوعی معماری خوب عرضه کند که از نظر زیبایی شناختی نیز جوابگوی احتیاجات ما باشد.

در تحلیل اثر معماری که جزو آثار خوب قرار گرفته بدون شک مفهوم و موجودیت زیبایی در کل و جزء پیکره ی آن وجود دارد با مشاهده ی یک اثر معماری و با در نظر گرفتن اصول و مبانی نظری مانند تناسب و توازن، مقیاس، تکرار و تناوب، تقارن، تعادل، مرکزیت، هماهنگی، تشابه، تنوع و تضاد، نظم، نظم در بی نظمی، حرکت و آرامش، نور، آب، رنگ، شفافیت، فرم و صورت و تزئین مشخص می گردد که پدیده ای به نام زیبایی در آن نهفته است. به عبارت دیگر محیط زیبا محیطی است که تجربیات حسی لذت بخشی را فراهم آورد، ساختار ادراکی دلپذیری داشته باشد و نمادهای لذت بخشی را تداعی کند. کیفیت روحی فضا نیز دقیقاً قابل سنجش و توصیف پذیر نیست زیرا احساس و وضعیت روحی_روانی هر فرد هنگام قرار گرفتن در یک فضا تحت تاثیر دو دسته از عوامل است: عوامل فردی و عوامل محیطی.

مبانی تحقیق:

در این تحقیق، از مطالعاتی که در زمینه زیبایی، زیبایی شناسی، فرم و ادراک در معماری صورت گرفته، استفاده شده است.

در دهه های اخیر پژوهش هایی نیز در ارتباط با موضوع، در قالب مقاله منتشر شده است که در ذیل بیان می گردد:

جمال الدین مهدی نژاد (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "جستاری بر ویژگی های معماری ایرانی-اسلامی و هنرهای قدسی مبتنی بر تعالی معماری" به این نتیجه دست یافت که تزئین به عنوان یکی از پایه های تصویری هنر معماری ارزیابی شده است، وسیله یا بیانی تصویری است برای شرافت بخشیدن به ماده، سطح، رنگ، خط، حجم، آجر و گل، گچ و خشت و ... تا به افق های برتر اعتلا یابد و رنگ و هویت معنایی و نهایتاً شخصیت فوق طبیعی بیابد و معنوی و الهی شوند. سلیمانی (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان، "زیبایی شناسی خانه سنتی ایرانی: بازشناسایی مؤلفه های زیبایی بر اساس مبانی برخاسته از زمینه"، نشان می دهد معماری سنتی که بر مبنای نظر افراد حاضر در فضای خانه های سنتی یزد صورت گرفته، بیانگر مؤلفه هایی از کیفیت و زیبایی است که عبارتند از:

- ۱- تأکید بر عناصر طبیعت از طریق جلوه بخشی به پنج عنصر طبیعی چون: آسمان، درخت، آب، خاک و نور؛
- ۲- جلوه بخشی به فضا در دید و ادراک ناظر از طریق ایجاد تضاد، بسط فضایی، ایجاد همپوشانی و تداخل فضایی و ایجاد دیدهای متوالی از طریق جداره ها و مرزبندی شفاف و ایجاد تصاویر مجازی؛
- ۳- تجلی وحدت در نظم و سادگی با استفاده از عواملی چون- تقارن موضعی در اجزا کالبدی بنا و پلان -هندسه مرکزگرا در فضای کالبدی و پلان- به کارگیری ریتم و تکرار به منظور یکپارچگی و پیوستگی - استفاده از عناصر هم خانواده و هارمونی در اجزا؛
- ۴- تجلی معنا و ایجاد هم ذات پنداری با فضا با توجه به پدیده های ذهن آشنا، عناصر و تزئینات خاطره برانگیز نمادین. وجود این مؤلفه ها می تواند منجر به بروز پیامدهایی چون: حفظ بصری، حفظ شنوایی، حفظ بویایی، تجرید فرایند حیات، دلباز شدن فضا و افزایش عمق دید ناظر در فضا، ایجاد حس تعلق و پاسخگویی به بعد «کمال گرای» انسان باشد.

از سوی دیگر با توجه به مطالب ذکر شده در مورد معیارهای زیباشناسی خانه های سنتی یزد و نتایج حاصل از مطالعات کتابخانه ای میتوان گفت معیارهای زیباشناسی خانه های سنتی قابل تطبیق با سه مرتبه زیبایی شناسی نمادین (توجه به معانی- نشانه ها): پیام های پیچیده ای که به طور مستقیم قابل دریافت نیستند، زیباشناسی فرمی (توجه به ساختار محیط و پیام هایی قاعده مند و دارای نظم) و زیباشناسی حسی(واکنش مثبت نسبت به محرک های خارجی از طریق حواس و بدون دخالت ضمیر خودآگاه لذت آنی) است. بنابراین سه مرتبه معنا، ساختار فرم، زیباشناسی حسی سه عامل اصلی در ادراک زیبایی و زیباشناسی هستند. ستاری (۱۳۹۳)، در تحقیقی تحت عنوان "کاربرد نظام زیبایی شناسی برگرفته از قرآن کریم در طراحی شهری" سعی در شناخت و جستجوی معانی و مفاهیم زیبایی شناسی قرآن کریم، به عنوان منشاء اندیشه اسلامی برای استفاده در شهرها و فضاهای زیستی داشته است. تلاش در به کارگیری مولفه های زیبایی شناسی اندیشه اسلامی در فضاهای شهری معاصر، به لحاظ پرداختن به معنا، در عین پرداختن به جهان ماده، در نهایت می تواند سبب ارتقا کمی- کیفی، و مادی- معنوی فضاهای شهری گردد. فضاهای شهری هم از لحاظ معیارهای کالبدی مادی و کمی و هم از لحاظ معیارهای معنوی و کیفی و اخلاقی می توانند از معیارها و معانی و مفاهیم زیبایی شناسی متجلی در شهرهای عهد اسلامی بهره گیرند. درس آموزی از مفاهیم بنیادین زیبایی شناسی اسلامی و نیز به کارگیری مفاهیم بنیادین زیبایی شناسی اندیشه های اصیل اسلامی مبتنی بر قرآن کریم، جهت رسیدن به آرمانشهر اسلامی، برای شهرهای معاصر در جوامع مسلمان نشین ضروری است. مسعود علیمردانی (۱۳۹۱)، در پژوهش خود به "بررسی روش های(روانشناسانه) ارزیابی و تحلیل کیفیت و زیبایی شناسی محیط و منظر شهری" می پردازد. مبانی نظری مقاله شامل تعاریف زیبایی، زیبایی شناسی فلسفی و زیبایی شناسی نظری و محورهای اصلی نظریه های زیبایی شناسی است و در ادامه به تکنیک های متعدد ارزیابی کیفیت منظر اشاره می کنند. این مقاله به جهت ارائه روش های ارزیابی بسیار مفید و حائز اهمیت می باشد.

امین زاده (۱۳۸۹)، در تحقیقی با عنوان "ارزیابی زیبایی و هویت مکان" که برگرفته از طرح پژوهشی "شناسایی متغیرهای تاثیرگذار بر زیبایی و معنای مناظر شهری" است، به شناسایی ترجیحات مردم از زیبایی و هویت مکان زندگی شان که در آن پس از تعریف زیبایی، معنا و هویت مکان به ارزیابی کیفیت زیبایی مناظر به دو روش ارزیابی ترجیحات مردم و ارزیابی توسط متخصصین پرداخته است و یافته های خود را در جدولی تحت عنوان تفاوت رویکردهای عینی (کالبدی) و ذهنی (روان شناختی) در ارزیابی زیبایی دسته بندی کرده است.

روش تحقیق

روش پژوهش با استفاده از راهکارهای ترکیبی می باشد که برای انجام آن از تکنیک های تحلیل- توصیفی استفاده شده است در راستای آن در مرحله اول از روش مطالعات کتابخانه ای و اسنادی در چارچوب نظریه فرضیه تدوین شده توسط محققین برای شناخت و به کارگیری اصول زیبایی شناسی در معماری اسلامی صورت گرفته تا بدین طریق بتوان در معماری معاصر ایران به هویتی اصیل و بومی رسید که امروزه رو به فراموشی سپرده شده، انجام گرفته است.

زیبایی شناسی

لغت زیباشناختی در اصل یونانی است و به معنی ادراک است. علم زیباشناختی به معنی وسیع کلمه به بررسی و روش های احساس محیط و موقعیت فرد در داخل آن می پردازد. (گروت، ۱۳۹۰)

«زیبایی» در فرهنگ لغات وبستر چنین تعریف شده است: «ویژگی چیزها، آواها، احساس ها یا مفاهیم عقلانی و مانند آن که با کمال شکل به دست آمده است و از آمیزش هماهنگ عناصر گوناگون، احساس آدمی را به درجات بالایی خشنود می کند یا برمی انگیزد.» (وبستر، ۱۳۶۲: ۹۸).
از قرن هجدهم مفهوم زیبایی بیشتر جنبه روانشناسانه به خود گرفت. زیبایی در ارتباط با ادراک دیده شده و بیننده جزئی از این مجموعه به حساب آمد. زیبایی جاذبه ای ازلی است، که هنر پل ارتباط بین آن و انسان است. درک زیبایی موهبتی است الهی و پایگاهی ذهنی که به عینیت می انجامد و هنر بدون آن کالبدی است بی روح و خالی از جاذبه. (آبوزیان، ۱۳۸۱)

نیاز به زیبایی

نیاز به زیبایی جز ناشناخته ترین نیازهای انسان می باشد، استاد مطهری نیز نیاز به زیبایی را از نیازهای فطری انسان می داند. (طاهباز، ۱۳۷۷) «مازلو» در هرم خود، نیازهای انسان را به دو بخش نیازهای پایه و متعالی تقسیم می کند؛ که نیاز و حس زیبایی شناسی در انسان، جزء نیازهای متعالی و انگیزه بخش می باشد که این امر نشان دهنده ی ارزش و اهمیت زیبایی شناسی در انسان می باشد که باید مورد توجه قرار گیرد. زیبایی شناسی از آن جهت که کیفیتی درونی و ناظر بر حالات درونی آدمی است، ارضاء آن می تواند مقدمه ای برای رویکرد آدمی به سوی معنویت باشد. (فهیمی فر، ۱۳۸۸).

مقدار زیبایی

پیتراسمیت معتقد به سه سطح برای ارزش های زیباشناختی است:

- در صورتی که زیبایی الگو در حد خیلی سطحی باشد، از آن به عنوان مد یاد می شود.
- نوع دیگر زیبایی لایه های میانی روان را به فعالیت و میدارد که از این زیبایی به عنوان سبک یاد می شود.
- نوع دیگری از زیبایی وجود دارد که در عمیق ترین لایه ی روان جا می گیرد و میتوان با عنوان زیبایی مقدس یا زیبایی جاودانه از آن یاد کرد. (گروت، ۱۳۹۰).



تصویر ۱: سطوح سه گانه ارزش های زیباشناختی (نیک مرام، ۱۳۹۳)

بیشترین تغییرات در سطح مد انجام می شود در فاصله های کوتاه زمانی جای چیزهای قبلی را می گیرد و باعث تغییر سلیقه نیز می گردد.

مفهوم زیبایی

زیبایی دارای مفهومی نسبی است. برخی از زیبایی ها نزد بسیاری و برخی دیگر نزد اندکی از آدمیان زیبا دیده می شوند. زیبایی در آن سوی دیگر دارای ساختاری است که گاه قابل درک است و گاه نیست، گاه قوانین زیبایی که بر پدیده ای چیره اند، زیبایی نامیده می شوند و گاه این قوانین چنان پیچیده اند که تنها پدیده ای زیبا دیده می شود. زیبایی شناسی قابلیت است برای درک بهتر اجسام و باعث تغییر در نگرش می گردد. (شوانه، ۲۰۰۹) واژه زیبایی شناسی (استتیک) ریشه یونانی داشته و به معنای دریافت است.

گروت در کتاب زیبایی شناسی در معماری زیبایی شناسی را این گونه بیان می کند: «علم زیبایی شناسی به معنی وسیع کلمه به بررسی روش های احساس محیط و موقعیت فرد در داخل آن می پردازد. به عبارت دیگر در بروز و ایجاد زیبایی شناسی سه عامل فرد یا ناظر و موقعیت آن (گیرنده)، معماری یا اثر هنری (فرستنده)

و محیط یا بستر طرح (رابط)، موثر می باشند.» (گروتز، ۱۳۹۰)

هدف زیبایی شناختی این است که چگونگی محیط اطراف و جایگاه شخص در محیط اطراف را به معنای واقعی درک کند. در قرن هجدهم هرچه بیشتر به معنای زیبایی پرداخته شد. زیبایی در ارتباط با دریافت ها بود و در این فرایند مشاهده گر مورد توجه قرار می گرفت. الکساندر گوتلیب باومگارتن، مفهوم زیبایی شناختی را هم ردیف اخلاق و منطق به میان آورد. همان نقشی را که عقل در علم اخلاق دارد، ذوق و سلیقه در علم زیبایی شناختی ایفا می کند. ذوق، احساس و قریحه به تازگی وارد آموزه های زیبایی شناسی شده اند. به این ترتیب در قرن بیستم زیباشناسی به علم و فلسفه تمام طرح ها و شکل های زیبا تبدیل شد. هرچه گیرنده، بر اساس خصوصیات قومی و ساختار فرهنگی خود قادر به تشکیل طرح واره های بیشتری شود، ادراک وی نیز به لایه های بالاتر ادراکی ارتقا می یابد. تجربه دانش و عوامل روانی-اجتماعی، همگی در ارزیابی زیباشناختی موثرند. وقتی بیننده با سبک یا مدی که مورد مطالعه قرار می دهد مانوس باشد تشکیل طرح واره برای او آسانتر است.

حس زیبایی شناسی در انسان زمانی به دست می آید که ذهن در یک مجموعه ای از تحریکات ظاهرا غیرمنظم و مغشوش، موفق به کشف یک نظم نسبی گردد. هرچقدر طرح واره های تشکیل شده بر اساس خصوصیات قومی و ساختار فرهنگی یک جامعه باشد در نتیجه ادراک افراد جامعه نسبت به آن در لایه های بالاتر ادراک صورت می گیرد؛ تجربه، دانش و عوامل روانی-اجتماعی از عوامل موثر در ارزیابی زیبایی به شمار می روند. (گروتز، ۱۳۹۰)

حاصل زیبایی

هدف از زیبایی چیست؟ دلیل اینکه بایستی دنبال زیبایی بود کدام است؟ این سوال را میتوان از دو دیدگاه پاسخ داد: یکی دیدگاه فلسفی-روانی و دیگری دیدگاه نظریه اطلاعات. زیگموند فروید در کتاب "ناآرامی در فرهنگ" حاصل زیبایی را چنین وصف میکند: "زندگی چنانچه به ما داده شده است برای ما خیلی سخت است و رنج ها و مشکلات غیرقابل حل به همراه دارد. برای تحمل این زندگی ما نیازمند تسکین دهنده ای هستیم. رنج و نا آرامی بیش از هر چیز نتیجه ارضا نشدن غرایز ما است" به نظر فروید یک راه نجات و تسکین یابی این است که بشر وابستگی خود را از دنیا از بین ببرد و ارضا خویش را در فرآیندهای درون روانی بجوید. از این طریق اهداف غرایز چنان تغییر می کند که ارضا آن محتاج به دنیای خارج نیستند. لذت بردن از هنر را فروید یکی از امکانات این ارضا رویایی می داند. هنر و زیبایی همیشه در ارتباط با هم بوده اند و به این ترتیب فروید به طور غیر مستقیم زیبایی را نوعی تسکین دهنده می داند. نیاز بشر به زیبایی قطعی است. این مطلب را این واقعیت تایید می کند که بشر از اولین روزهای خلقت همیشه سعی در زیبا سازی محیطش داشته است. (گروتز، ۱۳۹۰).

مبنای استدلال لزوم زیبایی از دیدگاه نظریه اطلاعات تشکیل طرح واره است. با تشکیل طرح واره ادراک نظم پیدا می کند. وقتی که اطلاعات زیباشناختی یک پیام به حد به حد مشخصی برسد ما جسمی را که پیام از آن به ما رسیده است زیبا تشخیص می دهیم. می توان گفت که یک چیز زیبا ادراکی غنی برای ما ممکن می سازد و این زیبایی باعث رضایت ما می شود.

هلمر فرانک که یکی از بنیان گزاران نظریه اطلاعات است چهار شرط لازم که کافی بودن آنها اجباری نیست برای احساس زیبایی ذکر می کند: اول؛ نمای یک ساختمان بایستی حداقل یک بار امکان تشکیل طرح واره را به بیننده بدهد یا به عبارت دیگر بایستی لاقل دو سطح از سطوح ادراکی را مخاطب قرار دهد در حالی که اطلاعات یکی از آنها کمتر و دیگری بیشتر از مقدار حداکثر ظرفیت دریافت ذهن باشند. دوم اینکه احتمال پیش آمدن مجموع علائم مختلف عرضه شده از نظر محاسه با یکدیگر مساوی نباشند چون در چنین صورتی تشکیل طرح واره ممکن نیست. سوم مقدار اطلاعات بالاترین سطح یا بالاترین طرح واره نباید بیش از ۱۶۰ بایت باشد چه در این حالت دیگر ذهن نمی تواند تمامی اطلاعات را به عنوان یک پیام واحد تلقی کند. چهارم نیز باید برای تشکیل طرح واره امکانات مختلف وجود داشته باشند. اگر این طور نباشد پرت اطلاعاتی برابر ۱ خواهد بود و در نتیجه تازگی برابر صفر و پیام فاقد اطلاعات است و جایی برای احساس زیبایی باقی نمی ماند. (گروتز، ۱۳۹۰)

تغییرات مفهوم زیبایی در طول زمان

از آغاز دو نوع زیبایی وجود داشته است و این دوگانگی تا امروز نیز همچنان حفظ شده است. افلاطون معتقد به دو نوع زیبایی بود: از سویی زیبایی طبیعت و موجودات زنده و از سویی دیگر زیبایی هندسه، خط و دایره. او معتقد بود که زیبایی طبیعت نسبی است در حالی که زیبایی هندسی یا آنچه به دست بشر ساخته شده است مطلق است. در یونان باستان خلاقیت شخصی اهمیت پیدا می کند و معمار وسیله بیان زیبایی های ریاضی می شود ساخته شده بر بنیان هماهنگی، تقارن و نظم. ویتروویوس میگوید: در بنا کردن بایستی به "استحکام، مفید بودن و ظرافت توجه داشت". زیبایی به همراه ایستایی و کارایی یکی از سه عامل نقش دهنده در معماری است. زیبایی وقتی قابل حصول است که "ساختمان نمایی مطبوع و خوشایند داشته باشد و تقارن اجزا آن به درستی حساب شده باشد" منظور ویتروویوس از تقارن چیزی است که ما امروز تناسب می گوئیم. یک ساختمان وقتی زیبا به حساب می آید که تناسب بین اجزا آن بر اساس قواعد مشخصی باشد.

ویتروویوس معتقد به شش عامل اساسی زیباشناختی در ساختمان بود:

الف: نسبت اندازه های اجزا ساختمان با یکدیگر و با کل ساختمان

ب: ارتباط بین اجزا ساختمان و نظم آنها در کل ساختمان

ج: ظرافت ظاهری هر کدام از اجزا و کل ساختمان

د: تناسب مدوله بین تک تک اجزا و کل ساختمان به طوری که بتوان کوچکترین واحد را در تمامی ساختمان همه جا دید.

ه: تجهیز ساختمان به ترتیبی که متناسب با نوع استفاده بنا باشد.

و: تناسب هزینه با عملکرد و مصالح به کار رفته

این مفهوم زیبایی را نیز پالادیو از آلبرتی به عاریه گرفته است که "سرچشمه زیبایی وفور فرم های قشنگی است که در هماهنگی با فرم کلی قرار دارند." هماهنگی موجود بین اجزا از طرفی، و اجزا با کل از طرف دیگر باعث می گردد که ساختمان چون پیکری واحد و کامل به نظر آید. (برداشتی از گروتز، ۱۳۹۰)

در کل می توان تمامی نظرات ارائه شده را تحت عنوان مجموعه قوانین عام زیبایی شناختی به سه قانون وحدت، شدت، پیچیدگی خلاصه کرد. وحدت حد فاصل آشفته‌گی تا همبستگی، شدت حد فاصل بی محتوایی تا آمیختگی با مفاهیم و پیچیدگی حد فاصل یکنواختی تا تنوع را نشان می دهد. (طاهباز، ۱۳۷۷)

قابل اندازه گیری بودن زیبایی

جرج دیوید بیرکهورف ریاضیدان امریکایی در سال ۱۹۳۳ روشی برای محاسبه زیبایی تدوین کرد. این "اندازه" را نمی توان به سادگی "اندازه زیبایی" نامید اما این اندازه مهم ترین جزء قابل اندازه گیری در "احساس زیبایی" است.

ادراک نیاز به کوشش دارد و مقدار این کوشش بستگی به مقدار پیچیدگی آن چیزی دارد که در صد در آن هستیم. این پیچیدگی یکی از صفات سوژه ی ما است و چیزی است که آن را می توان با عدد و رقم نشان داد. این عدد را با حرف C نشان می دهیم. هر پیام از علاماتی تشکیل شده است و تعداد این علامات با عدد C نسبت مستقیم دارد. علامات یک پیام با یکدیگر در ارتباط هستند یا به عبارت دیگر بین آنها نظمی برقرار است. به نظر بیرکهورف تشخیص این نظم یک شرط لازم برای بوجود آمدن احساس جذابیت است. این نظم به گونه های مختلف تظاهر می کند از آن جمله می توان تقارن را نام برد. این نظم را نیز به حرف O نمایش میدهیم.

آنچه را که سوژه باید داشته باشد تا مورد توجه ما قرار گیرد اندازه زیبایی شناختی آن می نامیم و آن را نیز با حرف M مشخص می کنیم. بر اساس نظریه بیرکهورف این اندازه زیبایی شناختی برابر حاصل تقسیم نظم O بر پیچیدگی C است.

پس بر این اساس یک شیئی وقتی خیلی زیبا است که با کمترین علامات ممکن بیشترین نظم ممکن را عرضه کند. اما بایستی گفت که این به این معنی نیست که یک سوژه هرچه منظم تر باشد زیباتر است. وی کوزین در این مورد چنین توضیح می دهد که زیبایی را نمی توان تنها از طریق نظم و قاعده به دست آورد بلکه زیبایی نتیجه دو صفت متضاد است که هر دو نیز به یک اندازه ضروری هستند: وحدت و تنوع. (گروتر، ۱۳۹۰).

ادراک زیبایی در انسان

حس زیبایی شناسی در انسان را می توان در چهار ویژگی اصلی تقسیم بندی کرد:

۱- تربیت پذیری: به این مفهوم که آموزش میتواند در افزایش ادراک زیبایی دخالت داشته باشد و این احساس را تکامل بخشد. به طور مثال، لذتی که یک موسیقی دان از موسیقی می برد بسیار بیشتر و کاملتر از لذت افراد عامی است. (طاهباز، ۱۳۷۷)

۲- تاثیر پذیری: به این معنا که حس زیباشناسی می تواند تحت تأثیر عوامل مختلف کاهش یا افزایش یابد. این عوامل عبارتند از خصوصیات شخصیتی، پیش زمینه ی ذهنی (فرهنگ و تجربیات شخصی)، شرایط موقت مغزی و روانی. به طور مثال، افراد با ویژگی های شخصیتی مختلف برداشت های متفاوتی از یک پدیده ی زیبا خواهند داشت. طبق بررسی های انجام شده توسط گروه هایی نظیر روانشناسان محیط و معماران، در مجموع می توان گفت افراد درونگرا محیط با تهییج کمتر و افراد برونگرا محیط با تهییج بیشتر را می پسندند. همچنین پیش زمینه های ذهنی در نوع دریافت و تعبیر و تفسیر پدیده های مختلف تاثیر دارد. افراد از فرهنگ های مختلف معمولاً ذوق و سلیقه ی نزدیک به هم دارند. خاطرات یا تجربیات خوب و بد نیز در احساس زیبایی یک پدیده دخالت دارد و آن را در نظر انسان زشت یا زیبا جلوه گر می کند. شرایط موقت ذهنی و روانی نیز در احساس زیبایی دخالت دارد. مثلاً کسی که اتفاق خوشایندی برایش رخ داده همه ی دنیا به نظرش زیبا می آید، در حالی که کسی که بد آورده یا حادثه ی ناخوشایندی برایش پیش آمده همه چیز به نظرش زشت و نا زیبا می آید. (طاهباز، ۱۳۷۷)

۳- خطا پذیری: به این معنا که تلقین (انس) و تعصب نسبت به یک پدیده می تواند در نوع احساس نسبت به آن مؤثر باشد. تلقین در ادراک زیبایی مؤثر است، زیرا تکرار دیدن یک پدیده باعث انس به آن میشود و سلیقه ی انسان را نسبت به آن متمایل می کند. این روشی است که موجب مد شدن یک پدیده در جامعه می شود. تعصب عامل دیگری است که در احساس زیبایی دخالت دارد. تعصب در سه حالت حب و بغض، حس مالکیت و تمایل به خواستن بروز می کند. (طاهباز، ۱۳۷۷)

۴- شدت پذیری: به این معنا که احساس زیبایی نسبت به یک پدیده به مقدار توجه به آن بستگی دارد و ممکن است تحت شرایط خاصی افزایش یا کاهش یابد. این عوامل عبارتند از: بداعت، تکرار و شلوغی، به طور مثال، وجود بداعت موجب جلب توجه بیننده می شود و دقت او را به خود جلب می کند. نقطه ی مقابل آن تکرار برخورد با یک پدیده یا مشغولیت ذهنی بیننده است که موجب بی توجهی میشود و شخص دیگر به آن پدیده توجه نمی کند. (طاهباز، ۱۳۷۷).



ویژگی های حس زیبایی شناسی انسان (طاهباز، ۱۳۷۷)

زیبایی شناسی معماری

ادراک زیبایی پدیده ای چند بعدی است که می تواند حواس درونی، بیرونی، تعقل و شهود ما را به فعالیت وا دارد. مجموعه ای از مطالعات روان شناسان گشتالت و سایر گروه هایی که در این زمینه مطالعه کرده اند، مانند معماران، طراحان و روان شناسان محیط، نشان می دهد که اولاً ادراک زیبایی پدیده ای چند بعدی است؛ ثانیاً کیفیت سمبلیک محیط مهم ترین عامل در ادراک زیبایی می باشد؛ ثالثاً ارتباطی درونی و ذاتی بین زیبایی فرمال و سمبلیک وجود دارد. آلن دیزاک با توجه به این بررسی ها، ویژگی های متعددی را در ادراک زیبایی محیط موثر دانسته است. (طاهباز، ۱۳۷۷).



ویژگی های موثر در ادراک زیبایی محیط (Lange, 1987, pp 191)

انسان از زمانی که به معماری مبادرت ورزیده، به نیازهای روحی و باطنی و حس زیبایی شناسی نیز توجه داشته است. نخستین نمونه های سکونتی برقراری چنین نسبتی را نشان می دهند. به بیان دیگر طبیعت در فرهنگ های گوناگون به شکلی مرتبط با زیبایی شناسی و فضای معماری حضور داشته است. (آیوزیان، ۱۳۸۱). ریشه ی میحث زیبایی شناسی در هنر و معماری فرهنگ ها و ملل مختلف وجود دارد. شاخه های هنر و معماری هر کشوری متناسب با حکمت نظری، سلاقی، ایده آل ها، باورها پایه های اعتقادی به شکلی خاص بروز پیدا کرده به گونه ای که می شود ساختار هویتی و ویژگی های قومی و ملی کشورهای مختلف را در آن دید. (شادقزوینی، ۱۳۸۹).

در دوران مدرن زیبایی در معماری با کارایی تعریف می شد. آدولف لوس در این زمینه معتقد است: «زیبایی برای ما بالاترین حد تکامل است. به این دلیل این مطلقاً غیرممکن است که چیزی که عملی نباشد بتواند زیبا باشد» (گروتز، ۱۳۹۰) او زیبایی معماری را نه تنها امری خودبسنده نمی داند بلکه آن را در ارتباط با پیرامون و محیط می داند و عقیده دارد بخش مهمی از ادراک زیبایی یعنی ادراک معنا، نشانه ها و نمادها، علاوه بر آنکه در ترجیحات زیبایی شناسی واجد اهمیت خاص اند، مشخص کننده خصوصیات ارتباط بیننده با مکان نیز می باشند. (امین زاده، ۱۳۸۹).

عوامل موثر در زیبایی معماری

علم زیبایی شناسی از ۳ عنصر اصلی: سلیقه، احساس و ادراک تشکیل یافته است. این عناصر باعث می شوند تا یک اثر، از دید ناظر، زیبا شناخته شود.



عوامل تاثیر گذار در زیبایی یک اثر (نیک مرام، ۱۳۹۳)

زیبایی از دیدگاه اسلام:

در تعریفی جامع از زیبایی از دیدگاه حکیمان و اندیشمندان اسلامی، «زیبایی، وجودی است حقیقی که در عالم ماده با صورت های مادی به وسیله حواس و در عالم معقول با صفات مفهومی به وسیله عقل و درک و در عالم ملکوت به وسیله دل (روح)، به نسبت قوه و ظهور وجود و ظرفیت مخاطبین ادراک می شود.» (نقره کار، ۱۳۸۷). بنابراین می توان گفت که از دیدگاه اسلام برای درک، شناخت و به کارگیری زیبایی در آثار معماری بایستی دو حوزه ی نظر و عمل را با تقویت متعاقب حواس، عقل و روح مورد توجه قرار داد تا صورت و معنای آثار نزدیکی بیشتری با یکدیگر پیدا کنند. (نیک مرام، ۱۳۹۳).

زیبایی شناسی در فرهنگ اسلامی:

در فرهنگ اسلامی علامه جعفری مراحل دریافت و ادراک زیبایی را به پنج مرحله تقسیم کرده است، که عبارتند از:
 - نگاه یا لمس سطحی (احساس نخستین): در این مرحله تنها ارتباطی بین دو وجه درونی و برونی برقرار شده ولی وجه درونی هنوز غیرفعال است و به همین جهت هیچ واکنشی نشان نداده است.

- تماشا (نگاه دقیق): در این مرحله وجه درون ذات با ذهنیت خاص خود به صورتی فعال نسبت به قطب برون ذات واکنش نشان می دهد که ممکن است به صورت لذت، نفرت، جذب یا دفع باشد.

- نظاره ی داوری (نظر و تحلیل): در این مرحله عقل با کمک درون «قطب درون ذات» (ذوق حس و شهود) به تطبیق و مقایسه ی زیبایی با محتویات خود می پردازد و آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد.

نظاره ی با احساس دوم (بصیرت و دریافت کلی): در این مرحله، این زیبایی جزئی در ارتباط با ادراک کلی از عالم قرار میگیرد. یعنی فرد از مجرای قطب درون ذات خود و درکی که نسبت به کل هستی دارد، نگاه دوباره ای به مورد زیبا می کند و آن را در ارتباط ارگانیک با آنها می بیند. -گذر از زیبایی به کمال (شهود): این نگاه، نافذترین مشاهده است که عمق زیبایی را تا سرچشمه ی آن میکاود و چنین نگاهی از عهده قطب درون ذات مردم عادی خارج است.

از مطالب فوق چنین بر میآید که زیباشناسی در فرهنگ اسلامی نیز در رابطه با درون و بیرون وجود انسان ادراک شده و شامل حوزه های معنایی (در ارتباط با پیشینه فکری فرد و تداعی نمادین) حسی (دریافت پیامهای محیطی از زیبایی) فرمی (ساختارمند بودن محیط و پیام آن) می شود. این تحقیق سعی کرده برای دستیابی به معیارهای زیبایی، این حوزه ها را در معماری سنتی از منظر ادراک ناظرین و کاربران حاضر در محیط های سنتی ملاک ارزیابی قرار دهد. (سلیمانی و مندگاری، ۱۳۹۵).

اصول زیبایی شناسی در معماری اسلامی:

تلاش های گوناگون صورت گرفته است تا اصول و نشانه هایی را برای زیبایی معرفی کنند که خصوصیات لازم و کافی برای زیبا قلمداد کردن اثری را داشته باشد. پس از بررسی های انجام شده و بر اساس مشاهدات و مطالعات صورت گرفته در بین بناهای دوران اسلامی و به ویژه مساجد و سایر بناهای مذهبی که از بناهای شاخص در معماری ایرانی- اسلامی هستند، پرکاربردترین عناصر زیبایی شناسی در معماری ایرانی- اسلامی بازشناخته شد. وحدت در کثرت یکی از اصول مهم در این زیبایی شمرده شده است و ترکیب این دو به وجود آورنده زیبایی است. هریک از وحدت و کثرت دارای صورت هایی است که در جدول زیر مورد بررسی قرار گرفته شده است:

جدول ۱- عناصر اصلی در زیبایی شناسی معماری اسلامی
 (منبع: (Froozani, 1991). (آتش بار، ۱۳۹۲)، (دبیا، ۱۳۷۸)، (طاهباز، ۱۳۸۳))

ردیف	اصول زیبایی شناسی اسلامی	تعاریف
۱	تناسب و توازن	نظام آفرینش بر اساس هندسه دقیق و منظمی بنا شده است که در آن هر چیز به اندازه و با نسبت سنجی مشخص و متناسبی آفریده شده است. همانطور که در موسیقی میزان هایی برای تنظیم فواصل زمانی نت ها و رعایت ریتم موسیقی وجود دارد در معماری نیز ابعاد و اندازه ی اشکال باید به وسیله ی تناسب حسابی، هندسی یا هارمونی به دقت رعایت شود. این اصل به اندازه ی عوامل مختلفی در نما و پلان ساختمان های تاریخی بستگی دارد. تناسب به عرض و طول اتاق ها، حیاط، حوض و ... و عرض و ارتفاع ورودی، دالان ها، ستون ها، پنجره ها، درها، ارتفاع فضاهای خرد و کلان و ... بستگی دارد.
۲	مقیاس	مقیاس به اندازه ی بنای مورد نظر با ساختمان های اطراف می پردازد مقیاس مختلف معانی متفاوتی دارند. برای مثال احساسی که یک ورودی کوچک به انسان می دهد با احساسی که یک ورودی بزرگ می دهد متفاوت است. مقیاس ساختمان های مسکونی با توجه به ابعاد و اندازه های انسانی و نیازهای او ساخته شده اند.
۳	تکرار و تناوب	این اصل در نما و پلان بسیاری از ابنیه مخصوصا ابنیه تاریخی استفاده می شود. تکرار ستون ها، پنجره ها، قوس و ... بارها و بارها در معماری سایر کشورها اجرا شده اند. این اصل باید بیش از ۲ بار تکرار گردد.
۴	تقارن	تقارن به ایجاد حس آرامش در انسان کمک می کند. تقارن در نما و پلان اکثر ساختمان های اسلامی مشاهده می شود.
۵	تعادل	این اصل به تعادل بصری یک فرم معماری بستگی دارد. در این مورد، ضروری نیست که فرم قرینه داشته باشیم اما مهم است که بین سمت راست و سمت چپ فرم تعادل وجود داشته باشد. تقارن همیشه شامل تعادل می شود، اما تعادل هیچ گاه شامل تقارن نمی شود.
۶	مرکزیت	معنای این اصل بسیار روشن است. وقتی می خواهیم به چیزی تاکید کنیم آن را در وسط و مرکز قرار می دهیم طراحی حوض در وسط حیاط مسجد راهی است برای تاکید به معنای سمبلیک و نمادین آب.
۷	هماهنگی	این اصل به هماهنگی میان عناصر معماری با یکدیگر و با بستر طراحی مربوط می شود. در یک معماری ممکن است شما از نسبت ها و اشکال مختلف استفاده کنید، اما باید توجه داشت که این نسبت ها باید در هماهنگی با یکدیگر باشند.

۸	تشابه	این اصل همانند هماهنگی است با این تفاوت که در تشابه، ما نمی توانیم عناصر مختلف را مقایسه کنیم.
۹	تنوع و تضاد	انواع مختلف از جماد و نبات و حیوان و انسان و در میان هر نوع نیز گونه های بسیار و متکثر و در هر گونه نیز افراد با یکدیگر از جهتی متفاوت؛ و این همه در عین وحدت یکپارچه ای است که بر نظام آفرینش حاکم است. معنای تنوع با تضاد یکی است با این تفاوت که تغییر شکل در تضاد در دستیابی به اصل تنوع حاصل خواهد شد. هر دو این عوامل شما را از یکنواختی در می آورند؛ تضاد به صورت یک شوک ناگهانی عمل می کند در حالی که تنوع به صورت گام به گام و به تدریج تاثیر خواهد کرد.
۱۰	نظم	چیده شدن با نظم و ترتیب یکی از نشانه های زیبایی است این چینش نظم دار گاه به صورت ردیفی و در کنار هم است. فطرت انسان همیشه خواستار نظم است. به طور کلی ذهن انسان در ساخت اشیا نوعی نظم را ایجاد خواهد کرد در معماری اکثر کشورها این اصل به وضوح در پلان، نما، تزئینات و سازه قابل مشاهده است. در پلان، مدول ها برای به دست آوردن نظمی عمومی در کل طراحی استفاده می شوند. در تزئینات نظم در کاشی کاری، نقاشی دیوارها و گنبدها و غیره مورد استفاده قرار می گیرد. یک نمونه ی خوب دیگر برای این اصل باغ های ایرانی-اسلامی هستند که می توان در آن ها تحقق این اصل را با یک هندسه ی قوی مشاهده کرد.
۱۱	نظم در بی نظمی	در نگاه اول، هیچ نظمی در آن ها وجود ندارد ولی مشاهده می کنیم که کاربری های مختلف در ترکیب و آرایش خوبی نسبت به هم قرار گرفته اند؛ مانند شبکه ی راه های شهرهای تاریخی اسلامی
۱۲	حرکت و آرامش	این اصل برای زمانی که می خواهید وارد جای مهمی شوید مفید است. مثلا در یک حیاط مرکزی، قبل از وارد شدن در این فضا اغلب وارد یک راهروی تاریک و تنگ می شوید که چیز قابل توجهی ندارد، بنابراین حرکت می کنید. ناگهان به یک فضای بزرگ و جالب توجهی می رسید که همه چیز در آن زیبا است. اولین فضای معمارانه (در این مورد، حیاط مرکزی) به شما احساس آرامش می دهد.
۱۳	نور	در معماری، نور عنصری است که در ترکیب با مفاهیم دیگر مانند رنگ و مصالح و سطوح و ... زیبایی پیدا می کند. نور در کاستن سختی و سردی سنگ و بنا نقش بسزایی دارد تجلی متفاوتی نور بر فیزیک بنا، آن را از اصلی ترین محور زیبایی شناسی معماری اسلامی قرار داده است. نور و سایه در سطوح تقابل های شدید ایجاد می کند و به سنگ های منقوش و سطوح گچی و آجری، بافت می بخشد. نور به تزئین معماری اسلامی کیفیتی پویا می بخشد از عناصری که برای بهره گیری از نور مورد استفاده قرار می گرفت عبارت اند از: روزن، در و پنجره مشبک، هورنو، ارسی و ... نور به دلیل تاثیرگذاری بر ادراک حسی یکی از عوامل موثر بر ارزش فضایی است. معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی با ایجاد ریتم و سایه روشن، بعدی زیبایی شناسی به نور می بخشد. ریتم نوری در معماری اسلامی نقش بسزایی را در تبیین تحول و توالی فضا ایفا می کند. نور در ترکیب با سایه به احجام عمق می بخشد
۱۴	آب	آب تصویر طبیعت، در معماری اسلامی است و در عین حال عامل تطهیر نیز است. حضور آب از سختی و سردی بنا می کاهد. آب علاوه بر بهره گیری کاربردی به زیبایی بنا می افزاید.
۱۵	رنگ	رنگ های گوناگون در طبیعت زیبا هرکدام جلوه ای از حسن را به نمایش می گذارد و هرکدام اثری خاص بر روان آدمی دارد. یکی از اصیل ترین رنگ های مطرح در هنر اسلامی رنگ فیروزه ای و آبی لاجوردی هستند. رنگ ها دارای صفات ابعادی هستند. رنگ های گرمی مانند قرمز، نارنجی و زرد فعال و پیش رو هستند و رنگ های سردی مانند سبز، آبی و بنفش فعال و واپس گرا. رنگ ها اندازه نسبی ظاهری دارند. رنگ های روشن به انبساط گرایش دارند و رنگ های تیره به انقباض. زرد بزرگترین رنگ است، بعد از آن سفید، قرمز، سبز، آبی و سیاه.
۱۶	شفافیت	نقطه مقابل مفهوم فضای بسته و تمام شده، مفهوم شفافیت و تداوم قرار دارد، در چنین فضایی، مسیر حرکت انسان و یا نگاه او در تداومی پیوسته صورت می گیرد.
۱۷	فرم و صورت	از معیارهای اصلی زیبایی است که در دو گروه فرم های با قاعده (تابع قوانین هندسی) و فرم های بی قاعده (فاقد ساختار مشخص و غیر قابل پیش بینی) قرار دارند.
۱۸	تزئین	تزئین از ارکان مهم در زیبایی معماری می باشد که دارای بعد ظاهری، معنایی و عملکردی است. همواره باید بین زیبایی، تزئین و عملکرد ارتباط برقرار کرد.

عناصر موثر در درک زیبایی فضاهای معماری:

زیبایی، مانند هر پدیده ی دیگری سه مولفه ی فرم، عملکرد و معنا دارد. فرم صورتی شامل شکل، ساختار، وزن و حجم است. عملکرد همان استفاده ای است که برای انسان و بشریت دارد و معنا مولفه ای است که ما را به دنیاها و عالم های دیگر وصل می کند. زیبایی شناسی را می توان از سه جنبه به صورت کلی و مختصر بررسی نمود. (افهمی و علیزاده، ۱۳۹۱).
درک زیبایی به عوامل مختلفی وابسته است علاوه بر موارد ذکر شده، عوامل و عناصر دیگری نیز وجود دارند که نقش مهم و موثر در درک زیبایی فضاهای معماری، مخصوصا معماری ایرانی - اسلامی دارند؛ این عناصر را می توان در جدول زیر مشاهده کرد.

عوامل موثر در درک زیبایی فضاهای معماری (نیک مرام، ۱۳۹۳)

عوامل	ویژگی ها و عملکردها
حجم	○ در معماری، فضای داخلی به واسطه لایه ی بیرونی بنا (حجم کلی بنا) درک می شود.
رنگ	○ رنگ خاصیت بصری فرم است. در حقیقت عنصر فرم از طریق رنگ معنا می یابد ○ رنگ حس مقیاس را هم موجب می شود.
شکل	○ در ترکیب بندی یک فضا شکل اشیا عامل تعیین کننده ای است. ○ ترکیبات بصری موجود در فضاها جزء مهمی از نشانه های فضا ساز هستند.
بافت	○ جنس و بافت و شاکله های فضا ساز به عنوان عوامل کلیدی در درک از فضا مطرح می شوند. ○ بافت به فضا مقیاس و عمق می دهد.
فضا	○ فضا باید متناسب با ابعاد انسانی باشد. ○ اشرافیت های فضایی و وجود مفاصل بین فضایی، از عوامل موثر در زیبایی فضا می باشد.
فرم	○ دسترسی ها و سیرکولاسیون از مهم ترین عوامل شکل دهنده به فرم هستند.
نور	○ ریتم خلاقانه ای به فضا می بخشد. ○ نورپردازی در یک فضا، در کنار ابعاد زیبایی شناسی، بعد عملکردی هم دارد. ○ حس محدود بودن با ابهام و هراس را برطرف کند.
آب	○ به عنوان عنصری زندگی بخش باعث جذب انسان می گردد. ○ به عنوان یک نقطه ی تاکید یا به عنوان یک خط برای نشان دادن مسیر مورد استفاده قرار می گیرد. ○ دارای سه کارکرد اصلی زیبایی، کاربردی و معنا بخشی است. ○ علاوه بر زیبایی بصری، آوای گوش نواز (زیبایی سمعی) ایجاد می کند. ○ باعث تلطیف فضا می شود.

نتیجه گیری:

زیبایی اصولا برای انسان موضوعیت دارد و جزء نیازهای فطری و رده بالای اوست. ولی همچون سایر کیفیات، با واژه ها نمی توان آن را تعریف کرد و باید توسط ادراک حضوری دریافت شود. همانطور که بیان شد طبق منابع اسلامی و روانشناسی، انسان به زیبایی گرایش دارد و همواره سعی می کند نمود زیبایی را در زندگی و فضای زیستن خویش در نظر بگیرد. از همین رو شناسایی معیارهای زیبایی بخش معماری، دارای اهمیت بسزایی است. برخورد با زیبایی عواطفی چون حرکت، جاذبه، عشق، آرامش و لذت را در انسان برمی انگیزد و روان او را تحت تاثیر قرار می دهد. زیبایی پدیده ای دوقطبی است و برای حصول به آن دو شرط باید وجود داشته باشد: زیبایی پدیده ی خارجی و توان درک ادراک کننده ی زیبایی. به کار بستن اصول و مفاهیم زیبایی شناسی اسلامی، می تواند سبب حل معضلات شهری نظیر، ویرانی محیط زیست شهری و یا آلودگی های بصری و زیست محیطی فضاهای شهری و افزایش کمیت و کیفیت زیبایی شناسی فضاهای شهری در حوزه های مختلف زیستی، و نیز ارتقاء معیارهای اخلاقی- که در شهرهای معاصر دچار بحران های جدی شده است- گردد. تلاش در به کارگیری مؤلفه های زیبایی شناسی اندیشه اسلامی در فضاهای شهری معاصر، به لحاظ پرداختن به معنا، در عین پرداختن به جهان ماده، در نهایت می تواند سبب ارتقا کمی- کیفی و مادی- معنوی فضاهای شهری گردد. همانطور که گفته شد انسان به زیبایی گرایش دارد و همواره سعی می کند نمود زیبایی را در زندگی و فضاهای زیستن خویش در نظر بگیرد. از همین رو بکارگیری معیارهای زیبایی بخش معماری، دارای اهمیت بسزایی است. تناسب و توازن، مقیاس، تکرار و تناوب، تقارن، تعادل، مرکزیت، هماهنگی، تشابه، تنوع و تضاد، نظم، نظم در بی نظمی، حرکت و آرامش، نور، آب، رنگ، شفافیت، فرم و صورت و تزئین از عوامل اصلی ایجاد زیبایی بخش ساختمان ها در معماری اسلامی هستند.

منابع:

- آتش بار، فاطمه، راحله یوردخانی، سید حسین اشرفی. ۱۳۹۲. شهر و سایه جایگاه نور در شکل دهی شهر ایرانی.
- آیوازیان، سیمون. ۱۳۸۱. زیبایی شناسی و خاستگاه آن در در نقد معماری.
- افهمی، رضا، مصطفی علیزاده. ۱۳۹۱. زیبایی شناسی فضاهای انعطاف پذیر. ماه هنر.
- امین زاده، بهناز. ۱۳۸۹. ارزیابی زیبایی و هویت مکان، نشریه هویت شهر ۵.
- دیبا، داراب. ۱۳۷۸. الهام و برداشت از مفاهیم بنیادی معماری ایران، معماری و فرهنگ ۱.
- ستاری ساربانقلی، حسن. ۱۳۹۳. کاربرد نظام زیبایی شناسی برگرفته از قرآن کریم در طراحی شهری. انتشارات مدیریت شهری. ۲۴.
- سلیمانی، مریم، کاظم مندگاری، ۱۳۹۵. زیبایی شناسی خانه سنتی ایرانی: بازشناسایی مؤلفه های زیبایی بر اساس مبانی برخاسته از زمینه، هویت شهر، ۲۸.
- شاد قزوینی، پرینا. ۱۳۸۹. مبانی زیبایی شناختی نقاشی سنتی ایران از منظر حکمت هنر دینی. کتاب ماه هنر.
- شوانه، پ. ۱۳۸۸، مبانی زیبایی شناسی. مترجم محمدرضا ابوالقاسمی، چاپ دوم، ویرایش سوم، نشر ماهی.
- طاهباز، منصوره. ۱۳۷۷، زیبایی در معماری. مجله صفا.
- طاهباز، منصوره. ۱۳۸۳. شکل مقدس، مجله صفا.

- علیمردانی، مسعود، سینا رزاقی اصل، مهدی واعظی. ۱۳۹۱. بررسی روش های (روانشناسانه) ارزیابی و تحلیل کیفیت و زیبایی شناسی محیط و منظر شهری، اولین همایش منطقه ای معماری و شهرسازی.
- فهیمی فر، اصغر. ۱۳۸۸. جستاری در زیبایی شناسی هنر اسلامی، پژوهش در فرهنگ و هنر ۲.
- گروتو، یورگ کورت. ۱۳۹۰. زیبایی شناسی در معماری، تهران، پاکزاد، جهانشاه، همایون، عبدالرضا، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- لیلیان. محمدرضا، آراین امیرخانی، مجتبی انصاری. ۱۳۸۸. جستاری بر مبانی و مفاهیم زیبایی شناسی و تبلور آن در ساختارهای معماری، کتاب ماه هنر.
- مهدی نژاد، جمال الدین. ۱۳۹۵. جستاری بر ویژگی های معماری ایرانی_اسلامی و هنرهای قدسی مبتنی بر تعالی معماری. پژوهش های هستی.
- نیک مرام، امین. ۱۳۹۳. طراحی مرکز مطالعات آرایه های معماری با رویکرد زیبایی شناسی هندسی. رساله کارشناسی ارشد. دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- وبستر، مریام. ۱۳۶۲. لغات فرهنگ آمریکایی مریام. انتشارات ارغوان.
- Designing for human Behavior, Halsted Press, United States of America.) .1974(Lang, Jon,
- Froozani, M. (1991). Principles of aesthetics in Islamic Architecture. 35.

